

قرار رد و ابطال دادخواست

(۲)

مواد صدور قرار رد دادخواست ضرر و زیان ناشیه از جرم و تقدیمی بداد گناههای کیفری

برای شمارش این موارد ابتداء باید با توجه بنصوص قانونی مربوطه و پیش بینی های آنها ببینیم احکام قانونی موجود در این مورد کدامهاست؟ و آیا صریحاً در مواد قانونی مربوطه پیش بینی هایی برای صدور قرار رد دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی از طرف دادگاه کیفری شده است یا خیر؟ و اگر پیش بینی ها ۲-۱-ی در متون قوانین کیفری مربوطه نشده اصولاً در چه موارد دادگاههای جزائی اقدام بصدور قرار رد دادخواست مینمایند؟

ماده ۱۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ بمدعی خصوصی (ماده ۹ اصلاحی همین قانون) در زمینه تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشیه از جرم چنین حق داده است:

ماده ۱۲ = (همینکه متهم بجهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت منضرر از جرم میتواند کلیه دلایل و مدارك خود را اعم از اصل یا رونوشت بمأمور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز میتواند در موارد جنحه و خلاف تا اولین جلسه دادرسی و در امور جنائی قبل از تشکیل جلسه مقدماتی تسلیم دادگاه کرده و مطالبه ضرر و زیان نماید. در این موارد رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی راجع بدادخواست و جریان آن لازم نیست.)

و ماده ۱۴ اصلاحی همان قانون دادگاه جنحه را مکلف کرده که اگر متهم را مجرم

تشخیص دهد ضمن صدور حکم جزائی حکم ضرروزیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید. ولی اگر حکم بر تبرئه متهم صادر کرد بموجب ماده ۱۳ قانون مورد بحث دیگر نمیتواند در باب ضرروزیان مدعی خصوصی حکمی صادر نماید. ولی مدعی خصوصی میتواند بدادگاه حقوقی مراجعه و یا در صورتیکه از حکم برائت متهم پژوهشخواسته شده - دعوی خود را در دادگاه استان تعقیب نماید.

بدینترتیب در ماده ۱۳ - قانون مذکور برای تعقیب دعوی ضرر و زیان از طرف مدعی خصوصی در صورت صدور حکم به تبرئه متهم حالات زیرین پیش بینی شده است:

۱-۴۸ - مدعی خصوصی میتواند دادخواست ضرر و زیان خود را با مراجعه بدادگاه حقوق تعقیب نماید یعنی مجدداً دادخواست مدنی بدادگاه مدنی تقدیم دارد. ولی باید دید تصمیم دادگاه جزا که حکم بر تبرئه متهم صادر نموده است درباره دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی چه عنوانی خواهد داشت؟ آیا با اشاره ساده بماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری مدعی خصوصی را برای تقدیم دادخواست درباره ضرر و زیان ادعائی او بدادگاه حقوق ارشاد خواهد نمود؟ که در اینصورت تکلیف دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی که ضمیمه پرونده کیفری بوده بر حسب روش وسیره قضائی روشن نشده است. چه خروج پرونده از موجودی دادگاه اصولاً با اشاء رأی (اعم از حکم یا قرار) از طرف دادگاه صورت میگیرد و صرف هدایت مدعی خصوصی بدادگاه مدنی بر حسب اصول مبین تعیین تکلیف دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی منضم به پرونده کیفری نمیتواند باشد. و چون ابطال پیش بینی شده در ماده ۳۲ اصلاحی قانون مورد بحث هم علی الظاهر و توجهاً بمفسیر مضیق در امور کیفری منحصرأ بموارد پیش بینی شده در آن ماده بنظر میرسد علیهذا بنظر نگارنده در اینمورد تصمیم دادگاه جزا درباره دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی که ضمیمه پرونده کیفری است ممکن است عنوان (قراردادخواست) داشته باشد. و در صورتیکه از طرف دادرسی مربوطه نسبت بحکم تبرئه صادره ازدادگاه جزا پژوهش خواسته نشود قرار رد دادخواست صادره قابل شکایت پژوهشی نبوده و مدعی خصوصی فقط خواهد توانست با تجدید آن و تقدیم دادخواست مجدد بدادگاه مدنی دعوی خود را تعقیب نماید.

۲-۴۹ - مدعی خصوصی میتواند دادخواست ضرر و زیان خود را در صورتیکه از حکم برائت متهم از طرف دادرسی مربوطه پژوهش خواسته شده باشد در دادگاه استان تعقیب نماید. از این حکم قانونی ماده ۱۳ مستنبط است که: اولاً - و قرار رد دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی با پژوهش خواستن دادرسی از حکم تبرئه صادره ازدادگاه جزا قابل پژوهش خواهد بود. ثانیاً - دستور این ماده شامل احکام و قرارهای صادره ازدادگاههای خلاف و جنحه است چه احکام و قرارهای صادره ازدادگاه جنائی بدستور ماده ۱۰ قانون تشکیل محاکم

جنائی مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ فقط قابل فرجام میباشد بخصوص که بند ۳ ماده مذکور رأی (اعم از حکم یا قرار) دادگاه جنائی را درباره ضرروزیان مدعی خصوصی در هر حال از طرف مدعی خصوصی قابل فرجام دانسته است.

۳-۵۰- وقتی دادخواست ضرروزیان ناشیه از جرم تقدیمی مدعی خصوصی بدادگاه جزا در خارج از موعد مقرر قانونی بدادگاه جنحه و خلاف یادادگاه جنائی تقدیم شده باشد: بطوریکه دیدیم موعد معینه برای تقدیم دادخواست ضرروزیان از طرف متضرر از جرم بدادگاه جزائی در ماده ۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری در دادگاه خلاف و جنحه تا اولین جلسه دادرسی و در دادگاه جنائی تا قبل از تشکیل جلسه مقدماتی مقرر گردیده است. بنا براین اگر مدعی خصوصی در موعد مقرر قانونی فوق دادخواست ضرروزیان بدادگاه جزائی تقدیم نکرد دیگر نمیتواند ادعای خصوصی خود را در دادگاه جزا اقامه نماید و اگر دادخواستی هم بدادگاه جزا تقدیم کرد چون خارج از موعد بوده و بموجب رأی لازم الاتباع شماره ۲۵۸۹-۳۸/۷/۱-۵ پشت عمومی دیوان عالی کشور:

« طرح دعوی حقوقی در محکمه جزائی تابع مقرراتی است که در آئین دادرسی مدنی قید شده است. »

لذا در این مورد همانند دادخواستهاییکه خارج از موعد مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی بدادگاه حقوق تقدیم میشود از قبیل موارد پیش بینی شده در مواد ۱۷۹ و ۴۸۸ و ۵۳۷ قانون اخیر الذکر رفتار شده و قرار رد دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی صادر خواهد شد. و اگر این قرار ازدادگاههای خلاف و یا جنحه صادر شود مستنداً بماده ۲۶۰ و بند ۱ ماده ۳۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری قابل پژوهش خواهد بود. ولی اگر ازدادگاه جنائی صادر شود با استناد بند ۳ ماده ۴۱ قانون تشکیل محاکم جنائی مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ قابل فرجام است.

نکته اینکه در اینجا اشاره بآن ضروری است مسئله «اولین جلسه» در دادگاههای خلاف و جنحه میباشد مشخص نمودن اولین جلسه دادرسی در دادگاه جنحه با ضابطه ایکه همیشه عمومی دیوان عالی کشور بموجب رأی اصراری شماره ۳۰۳۱-۳/۱۰/۳۸ بدست داده و چنین انشاء رأی نموده است:

(بر حسب مفهوم و مستفاد از مواد ۱۲۳ و ۱۳۶ و ۱۴۴ و ۱۴۷ آئین دادرسی مدنی منظور از اولین جلسه دادرسی آنچنان جلسه ای است که موجب قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد. بدیهی است در صورتیکه بجهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمیگردد.)

بنظر نمیرسد در عمل در دادگاه جنحه مواجه با اشکال باشد. ولی در دادگاه خلاف

چطور؟ در دادگاه خلاف هم وقتی برطبق قانون آئین دادرسی کیفری رسیدگی بعمل میآید موارد ۲۰، ۲۳ و ۲۴ بیعد قانون مذکور تعیین تکلیف کرده است.

ولی آیا وقتی دادگاه خلاف بدون تعیین جلسه و باستناد ماده واحده رسیدگی غیابی در امور خلاقی مصوب ۱۳۳۹ رسیدگی میکند و موردی بعنوان جلسه اول رسیدگی مصداق ندارد تا مدعی خصوصی بتواند تا آن جلسه دادخواست ضرر روزیان ناشیه از جرم خود را بدادگاه تقدیم دارد تکلیف چیست؟

بنظر میرسد در چنین صورتی که دادگاه خلاف فقط بتخلف اعلامی وفق قانون اخیر - الذکر بدون تشکیل جلسه رسیدگی میکند مدعی خصوصی دیگر نمیتواند بدادگاه دادخواست ضرر روزیان تقدیم کند و باید اگر ادعائی دارد بدادگاه مدعی رجوع نماید. چه؟ بنظر نگارنده اگر چه ماده واحده قانون رسیدگی غیابی در امور خلاقی مصوب ۱۳۳۹ که مؤخر بر اصلاح ماده ۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ تصویب گردیده و در آن قسمتی که مربوط بجلسه اول دادرسی است ماده ۱۲ اصلاحی آئین دادرسی کیفری را بطور ضمنی نسخ نموده است ولی با وجود مقررات فعلی هم مدعی خصوصی میتواند دادخواست ضرر و زیان ناشیه از جرم را ولو اینکه دادگاه خلاف وفق قانون اخیر التصویب رسیدگی کند در دادگاه از یک راه طرح نماید و آن موقعی است که این دادخواست را بمأمورین تعقیب تسلیم نماید زیرا بموجب ماده ۱۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری: «... متضرر از جرم میتواند کلیه دلایل و مدارک خود را اعم از اصل یا رونوشت بمأمور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود...» و ماده ۲۱۴ همان قانون باز مقرر میدارد: «مدعی میتواند بدو در باب ضرر و زیان خود به نظمیة نیز رجوع نماید در این مورد نظمیة پس از تحقیقات اطلاعات و نتیجة تحقیقات خود را بمحکمه صالحه میفرستد.»

بنابر این مدعی خصوصی میتواند دادخواست ضرر روزیان خود را تا موقعیکه بقضیه وفق ماده ۲۰ قانون مورد بحث در نزد مأمورین انتظامی (مأمورین شهر بانی - ژاندارمری - پلیس راه آهن) و سایر ضابطین دادگستری ذیصلاح رسیدگی میشود بمأمورین تعقیب مذکور تسلیم نماید. در اینصورت دادگاه خلاف پس از وصول پرونده خلاقی با دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی بهر دو موضوع وفق مقررات فوق الذکر و اصول کلی رسیدگی خواهد کرد. ولی اگر مدعی خصوصی دادخواست ضرر روزیان خود را بمأمور تعقیب تسلیم نکند - موقعیکه دادگاه خلاف بر وفق ماده واحده قانون رسیدگی غیابی در امور خلاقی بموضوع رسیدگی میکند دیگر نمیتواند مستقیماً بدادگاه خلاف دادخواست ضرر روزیان بدهد چه؟ دادگاه در چنین صورتی دیگر اقدام بتعیین وقت جلسه دادرسی نمیکند و اگر چنین دادخواستی پس از وصول پرونده بدادگاه خلاف تسلیم گردد بمنزله دادخواستی است که خارج از موعد قانونی تقدیم شده

و قرار در دادخواست مدعی خصوصی صادر خواهد شد و اگر مدعی خصوصی بخواهد میتواند تا نیاید باره ادعای خصوصی خود بدادگاه مدنی رجوع نماید.

۴-۵۱- وقتی هزینه دادرسی را مدعی خصوصی نپرداخته باشد: بطوریکه دیدیم در ذیل ماده ۱۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری تصریح شده است: «... در این مورد رعایت تشریحات آئین دادرسی مدنی راجع بدادخواست و جریان آن لازم نیست.» بنابراین تنظیم دادخواست ضروریان ناشیه از جرم روی برگهای چاپی مخصوص و کیفیت تنظیم آن بشرحیکه در مواد ۷۲ و ۴۹۰ بیعد و نظایر آن از قانون آئین دادرسی مدنی مقرر است و همچنین رعایت مقررات مربوط بدادرسیهای اختصاری و عادی در این مورد قابل رعایت نمیشود تا عدم رعایت آنها موجب صدور اخطار تفصیلی رفع نقص گشته و در صورت عدم رفع نقص بموقع از طرف مدعی خصوصی - دادخواست ضرر و زیان تقدیمی آورد شود و در این مورد با توجه بشق دوم ماده ۳۰۵ قانون آئین دادرسی کیفری رعایت مدلول ماده ۳۱۱ همان قانون کافیست.

ولی ماده ۴۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «مدعی خصوصی هزینه دادرسی را باید مطابق مقررات مربوط بدادگاه مدنی در موقع مطالبه ضروریان ازدادگاه تأدیه نماید. ولی متهم در موقع شکایت از حکم ضروریان و سایر احکام و قرارهای دادگاه جزائی از تأدیه هزینه معاف است. هرگاه مدعی خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تأدیه هزینه دادرسی را نداشته باشد دادگاه میتواند با موافقت دادستان مدعی خصوصی را از تأدیه هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعاست معاف نماید. تأخیر امر جزائی بعلت عدم تأدیه هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی جایز نیست و احراز عدم تمکن بنظر دادگاه است.

بدین ترتیب چنانچه مدعی خصوصی بنظر دادگاه متمکن بوده و استطاعت داشته باشد باید هزینه دادرسی مربوط بدادخواست ضروریان ناشیه از جرم را مطابق مقررات مربوط بدادگاه مدنی که بموجب ماده ۶۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی عبارتست از: (۱- هزینه برگههاییکه بدادگاه داده میشود. ۲- هزینه قرار و احکام) تأدیه نماید. و حتی چون در ماده ۴۹۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصرح است که: (مدعی خصوصی هزینه دادرسی را باید ... در موقع مطالبه ضروریان از دادگاه تأدیه نماید.) بدینجهت اگر نامبرده در همان موقع تقدیم دادخواست ضرر و زیان بدادگاه جزا هزینه دادرسی را پرداخت نکند دیگر از طرف دفتر مجالی برای صدور اخطار تفصیلی رفع نقص پیش بینی نشده و حتی بدستور همان ماده و تأخیر امر جزائی بعلت عدم تأدیه هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی جایز نیست.»

حال باید دید اگر مدعی خصوصی متمکن و مستطیع (بمعنای عرفی مورد پیش بینی آن در ماده ۴۹۲ فوق الذکر که مترادف متمکن است نه بمعنای شرعی آن) هزینه دادرسی دادخواست ضرروزیان خود را تأدیه نکرد تکلیف دادخواست مزبور چیست؟

با بررسی در مواد ۳۲۹ و ۳۳۱ و ذیل ماده ۴۹۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۳ ماده ۲۵ قانون تشکیل محاکم جزائی مصوب مرداد ماه ۱۳۲۲ موضوع باین ترتیب قابل حل بنظر میرسد که در ماده ۳۲۹ فوق الذکر در طریق تحقیقات و رسیدگی دادگاه جنحه مقرر داشته: «... بدو ادعای نامۀ مدعی الموم و اگر اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی شده عرض حال و خوانده میشود...» در ماده ۳۳۱ همین قانون اضافه نموده: «در صورتیکه اقامه دعوی را مدعی خصوصی نموده بعد از افتتاح جلسه عرض حال مدعی خصوصی قرائت میشود...» و همچنین در ترتیب رسیدگی دادگاه جنائی بند ۳ ماده ۲۵ قانون مربوطه مقرر گردیده: (۳- استماع اظهارات مدعی خصوصی و شهود و اهل خبره اینکه مدعی خصوصی معرفی کرده است) و بالاخره ذیل ماده ۴۹۲ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصرح است که: «تأخیر امر جزائی بعلمت عدم تأدیه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی جایز نیست».

بنابراین وقتی مدعی خصوصی متمکن و مستطیع هزینه دادرسی دادخواست ضرروزیان ادعائی خود را نپرداخت در اجرای دستور ذیل ماده ۴۹۲ در رسیدگی بامر جزائی تأخیری نخواهد شد بالنتیجه دیگر دادگاههای جزائی از رعایت مقررات مواد ۳۲۹ و ۳۳۱ و بند ۳ ماده ۲۵ فوق الذکر و سایر مقررات پیش بینی شده در مواد دیگر قوانین مربوطه راجع بعرض حال ضرر و زیان مدعی خصوصی در ترتیب رسیدگی معاف میشوند. فقط بر رسیدگی بامر کیفری اکتفا مینمایند. یعنی دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی را در جلسه رسیدگی بامر جزائی ندیده میکنند.

ولی باید دید وقتی دادگاه های جزائی از رسیدگی بامر جزائی فارغ شدند عنوان تصمیم آنها در زمینه تمهین تکلیف دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی چه خواهد بود؟

بنظر نگارنده چون طبق رأی لازم الاتباع شماره ۲۵۸۹ - ۳۸/۷/ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در طرح دعوی حقوقی در محکمه جزائی تابع مقرراتیست که در آئین دادرسی مدنی قید شده و از آنجا اینکه بموجب قانون آئین دادرسی مدنی (بند ۱ ماده ۸۴ - ماده ۱۸۲ ناظر به بند ۲ ماده ۱۸۱ و مواد ۴۹۶ و ۵۳۴ و نظایر آن) وقتی از طرف خواهان و دادخواست دهنده هزینه دادرسی پرداخت نشود بسته بمورد از طرف مدیر دفتر دادگاه مربوطه یا از طرف دادگاه بارعایت تشریفات مربوطه قرارداد دادخواست صادر میشود. نظر بمراتب در این مورد نیز تصمیم دادگاه درباره دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی عنوان قرار رد

دادخواست « خواهد داشت.

۵-۵۲- وقتی دادگاه جزا قرار موقوفی بیکرد امر جزائی را بلحاظ عدم حضور مدعی خصوصی در موعد مقرر و در صورتی که موضوع اتهام با گذشت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست (بند ۲ ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۲۷۷ و نظایر آن از قانون مجازات عمومی) صادر مینماید- قرار رد دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی را م صادر خواهد کرد. این معنا در ذیل ماده ۳۲۱ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری بشرح آتی مصرح است: (... در موارد مذکور مدعی خصوصی میتواند طبق مقررات برای مطالبه ضرر و زیان فقط بدادگاه مدنی مراجعه و دادخواست مجدد تقدیم دارد.) بدین ترتیب بهمان استدلالی که قبلا تحت شماره ۱-۴۸ بعمل آمد تصمیم دادگاه جزائی در باره دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی عنوان «قرار دادخواست» خواهد داشت.

بنظر نگارنده مستفاد از منطوق و مفهوم ماده ۳۲۱ اصلاحی قانون فوق الذکر و اینکه بموجب ذیل ماده ۱۰ همان قانون: (... کلیتاً اسقاط حقوق عمومی بجهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمیشود.) و برای تعقیب ادعای خصوصی در این مورد ماده ۱۶ قانون مورد بحث مقرر داشته: (هرگاه کسی ادعای خصوصی در محکمه جزا نمود ولی صدور حکم از حیث حقوق عمومی بجهتی از جهات قانونی بتأخیر افتاد مدعی خصوصی میتواند در باب ضرروزیان خود بمحکمه حقوق رجوع نماید.) و چون بموجب رأی لازم الاتباع شماره ۲۵۸۹-۳۸/۷/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: (طرح دعوی حقوقی در محکمه جزائی تابع مقرراتیست که در آئین دادرسی مدنی قید شده است. و مدعی خصوصی میتواند ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارات تأدیه را ضمن دادخواست خود مطالبه نماید.) (صفحات ۱۳۰ و ۱۴۰ مجموعه رویه قضائی - آراء از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۴۲ - نشریه مؤسسه روزنامه کیهان).

لذا در موارد زیر:

الف - صدور قرار موقوفی بیکرد امر جزائی بواسطه فوت یا جنون متهم یا مقصر (بند ۱ ماده ۱۰۸ د.ک)

ب - « « « « « « « « عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی (بند ۳ ماده ۱۰۸ د.ک)

ج - صدور قرار موقوفی بیکرد امر جزائی بواسطه شمول مرور زمان در مورد تقصیرات عرفی (بند ۴ ماده ۱۰۸ د.ک)

تصمیم دادگاه در باره دادخواست ضرروزیان مدعی خصوصی عنوان «قرار رد دادخواست» را خواهد داشت.

آیا در مورد معافیت‌های قانونی- دادگاه جزا بدادخواست ضروریان مدعی خصوصی رسیدگی و حکم خواهد داد یا خیر؟

بطوریکه فوقاً اشاره شد (۵-۵۴) بموجب قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری: (... کلیتاً- اسقاط حقوق عمومی بجهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نیست) و از طرف دیگر ماده ۱۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: (هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزائی ضروریان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل ومدارک موجود صادر نماید...)

و چنین در مورد معافیت‌های قانونی از مجازات مانند موارد پیش بینی شده در مواد: ذیل ماده ۱۲۳ ناظر بر ماده ۱۲۳ و ۱۷۹ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ذیل ماده ۲۷۷ اصلی از قانون مجازات عمومی و نظایر آنها مجرم فقط از مجازات معاف می‌شود یعنی اگر دادگاه جزائی وقوع بزه و صحت انتساب آنرا بمتهم محرز دانست حکم جزائی صادر می‌کند و متهم را مجرم تشخیص می‌دهد. نهایتاً به جهات مقرر در قانون او را از مجازات معاف می‌دارد بنا بر مراتب بنظر نگارنده چون دادگاه جزائی در این قبیل موارد اقدام بصدر حکم جزائی می‌کند لذا بدستور ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری باید بدادخواست ضروریان مدعی خصوصی نیز طبق دلایل ومدارک موجوده رسیدگی و حکم صادر نماید.

موارد صدور قرار ابطال دادخواست از طرف دادگاه‌های

عمومی دادگستری

همانطوریکه در مقدمه اشاره رفت برای نتیجه‌گیری بهتر از بحثی که عنوان شده اهم موارد صدور قرار دادخواست قبلاً فهرست وار منعکس شد اینک بصورت فهرست به اهم موارد صدور قرار ابطال دادخواست از طرف دادگاه‌های عمومی دادگستری می‌پردازیم:

۱-۵۳- در صورت استرداد دادخواست از طرف خواهان در دادرسیهای اختصاری تا جلسه اول دادرسی و در دادرسیهای عادی در جریان تبادل لوایح (ملاك مواد ۱۱۷-۱۲۳-۱۴۶ قانون آئین دادرسی مدنی).

۲-۵۴- در صورت استرداد دادرسی که از آن در قانون آئین دادرسی مدنی با استرداد دعوی قبل از رسیدن به مرحله صدور حکم نامبرده شده (با استرداد دعوی بطور کلی اشتباه نشود) (مستفاد از ذیل ماده ۱۴۶ و صدر ماده ۲۹۸ ق.ا.د.م)

۳-۵۵- در موردیکه دادگاه محتاج بتوضیحی از مدعی در جلسه مقرر برای اخذ توضیح

حاضر نشود و با اخذ توضیح از مدعی علیه هم دادگاه نتواند رأی بدهد. (پاراگراف دوم ماده ۱۶۵ ق.ا.د.م)

شعبه ۶ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۲۸۵۰-۱۵/۹/۲۱ در این مورد چنین اظهار نظر کرده است:

(تعیین شعبه مرجع رسیدگی در ماده ۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی الزامی است و حکم این ماده نسبت به اوراق احضاریه نیز سرایت داده شده است. بنابراین در صورتیکه شخص احضار شده در ذیل احضاریه اعتراض کند که شعبه مرجع رسیدگی تعیین نشده است و به همین عذر هم در جلسه حاضر نگردد با این حال نمیتوان دادخواست او را از لحاظ عدم حضور ابطال نمود.) (صفحه ۱۵ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵ جمع-آوری احمد متین).

رأی شماره ۳۸۹۰-۱۰/۱۱/۴۰ اصرای هیئت عمومی دیوانعالی کشور چنین انشاء گردیده است:

(گذشته از اینکه وکیل فرجامخواه ضمن لایحه شماره ۱۹۲-۱۱/۸/۳۶ دعوی را شرح داده در جلسه مورخ ۱۲/۱۱/۳۶ که در دادگاه حضور داشته دعوی موکل خود را از هر حیث متوجه شرکت فرجامخوانده دانسته است و چون وکیل نامبرده در جلسه مقرر حاضر شده و توضیح داده است - موضوع مشمول ماده ۱۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی که مستند دادگاه واقع شده است نیست و قرار ابطال دادخواست مورد نداشته است. .) (صفحه ۲۵۸ مجموعه رویه قضائی (آراء مدنی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲) نشریه موسسه روزنامه کیهان).

شعبه ۸ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۵۸۹-۲۹/۵/۷ باین بیان اظهار عقیده کرده است.

(اگر منظور از تقدیم دادخواست درخواست تأخیر اجرای حکم راجعه بتخلیه با اجازه ماده ۵۴۲ و ۵۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی باشد. این قبیل درخواستها که دعوی مستقل و اساسی نمیباشد احتیاج بتقدیم دادخواست رسمی ندارد تا اینکه در نتیجه غیبت درخواست کننده - مشمول ماده ۱۶۵ قانون مزبور گردد و قرار ابطال دادخواست مورد داشته باشد.) (صفحه ۱۳ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی آراء از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵ جمع آوری احمد متین).

۵۶۰۴- در صورتیکه هیچیک از طرفین حاضر نشوند و دادگاه نتواند رأی بدهد (آخرین پاراگراف ماده ۱۵۶)

شعبه ۸ دیوانعالی کشور بشرح رأی شماره ۱۳۷۷-۲۷/۶/۳ چنین اظهار نظر

کرده است :

(چنین بموجب ماده ۵۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی هرگاه پژوهخواه یا پژوهشخواهنده در وقت معین برای رسیدگی حاضر نشوند دادگاه بدرخواست طرف حکم غیابی میدهد بنابراین ابطال دادخواست در صورت عدم حضور مدعی منحصراً به مرحله بدوی است و شامل مرحله پژوهش نخواهد بود.) (صفحه ۱۴ مجموعه رویه قضائی جمع آوری احمد متین).

۵ - ۵۷ - در اعتراض بر حکم غیابی پس از مبادله لوایح در صورتیکه دادگاه اخذ توضیح از خواه را لازم بداند و در جلسه معینه برای اخذ توضیح بعلت غیبت یکطرف نتواند رأی بدهد و غایب و خواه باشد دادخواست او ابطال میگردد. (ماده ۱۶۶ ق.ا.د.م.)

۶- ۵۸ - در صورتیکه در جلسه مقرر برای دادرسی معترض بتقاضای ثبت یا وکیل او حاضر نشود و بتقاضای مستدعی ثبت (واخوانده) مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی تقاضای ابطال دادخواست و خواه بعمل آید (ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک).

تبصره ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ مقرر میدارد: «در مواردی نیز که بموجب مواد ۱۷ و ۱۶ اصول محاکمات آزمایشی عرضحال رد میشود مفاد این ماده لازم الرعایه است»

در مورد این تبصره کمیسیون مشورتی قوانین ثبت اداره حقوقی وزارت دادگستری بشرح نظریه مورخ ۴۳/۱۰/۱۶ که در جلسه مورخ ۴۳/۱۰/۲۶ مورد تأیید کمیسیون آئین دادرسی مدنی قرار گرفته و این نظریه در صفحات ۵۷ و ۵۸ مجله هفته دادگستری بشماره مسلسل ۲۸ «شماره ۴ سال دوم مورخ ۱۳۴۴/۳/۱» منتشر شده چنین اظهار نظر کرده است:

«تبصره ذیل ماده ۱۹ قانون ثبت مندرج در مجموعه قوانین حقوقی گرد آورده آقای احمد کمانگر چاپ سال ۴۲ که باین عبارت است: «در مواردی نیز که بموجب ماده ۸۳ آئین دادرسی مدنی عرضحال رد میشود و مفاد این ماده لازم الرعایه است» اشتباه و صحیح آن اینست: «در مواردی که بموجب مواد ۱۷ و ۱۶ اصول محاکمات آزمایشی عرضحال رد میشود مفاد این ماده لازم الرعایه است» باتذکر اینکه ماده ۱۷ مذکور در تبصره غلط و صحیح آن ماده ۱۸ میباشد. «رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور بشماره ۴۴۷۱/۴۵۵۹-۲۵/۱/۱۳۱۶» و چون موارد مصرح در مواد ۱۸ و ۱۶ قانون اصول محاکمات آزمایشی عیناً در مواد ۸۴ و ۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی فعلی منظور و باعتبار خود باقیست. لذا در مواردیکه دادخواست اعتراض بر تقاضای ثبت با داشتن نقائص قبول ولی برای اینکه بجریان افتد باید رفع شود و با ابلاغ اخطاریه رفع نقص نگردد و موجب رد دادخواست میشود. یک نوبت تجدید

دادخواست طبق ماده ۱۹ قانون ثبت و تبصره آن مجوز قانونی دارد و خالی از اشکال است.

وایضاً کمیسیون آئین دادرسی مدنی اداره حقوقی وزارت دادگستری در جلسه مورخ ۲۸/۵/۴۴ که نتیجه آن در صفحه ۲۰۳ مجله هفته دادگستری بشماره مسلسل ۴۰ شماره ۲ سال دوم مورخ ۲۸/۱۲/۴۴ انتشار یافته چنین بیان عقیده کرده است:

«ماده ۱۹ قانون ثبت مصرح است که اگر عرضحال اعتراض بر ثبت ابطال شود تجدید عرضحال فقط در ظرف ده روز پس از ابلاغ قرار برای یک مرتبه ممکن میباشد و بشرح تبصره ذیل این ماده در مواردیکه عرضحال اعتراض بر طبق مادتهای ۱۶ و ۱۷ قانون آزمایش رد شود مفاد این ماده لازم‌الرایه بوده - مادتهای ۱۶ و ۱۷ مذکور بموجب قانون آئین دادرسی مدنی نسخ شده و ماده ۸۳ جانشین مواد مرقوم گردیده است. ماده ۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی هم بعداً اصلاح شده و فعلاً بموجب ماده ۸۳ در مرحله بدوی اگر عرضحال ناقص باشد و تکمیل نگردد قرار رد دادخواست از طرف مدیر دفتر صادر میشود باین ترتیب در مورد سؤال اگر قرار رد دادخواست اعتراض بر ثبت از جهت اینکه رفع نقائص بعمل نیامده باشد از طرف مدیر دفتر دادگاه بخش یا شهرستان صادر گردد تجدید دادخواست اعتراض بر ثبت در ظرف ده روز پس از ابلاغ قرار ممکن خواهد بود.»

دادگاه شهرستان مشکین شهر در پرونده‌های کلاسه ۱۱۷-۴۳ تا ۱۲۰-۴۳ بموجب آراء شماره ۱۵۹-۱۶/۵/۴۵ و ۱۲۰-۲۱/۴/۴۵ و ۱۳۴-۲۷/۴/۴۵ و ۱۷۴-۲۵/۵/۴۴ چنین انشاء قرار نموده است:

و چون با توجه بکلمه (تجدید عرضحال) که در صدر دادخواست پرونده حاضر قید شده و تطبیق محتویات پرونده حاضر با پرونده ۱۰۲-۴۲ مدنی استنادی آقای و خواننده و وکیل او معلوم میگردد: عرضحال حاضر در واقع تجدید دادخواست تقدیمی و خواهانها بشرح پرونده مدنی ۱۲۰-۴۲ ما را الذکر است با این تفاوت که در دادخواست حاضر نسبت به پرونده اخیر الذکر میزان سهم از ۱۱ سهم به ۹ سهم افزایش داده شده است. چون بموجب ماده ۱۹ قانون ثبت در صورتیکه دادخواست معترضین بر ثبت وفق آن ماده منتهی بصورت قرار ابطال گردید و خواهانها میتوانند فقط ظرف ده روز پس از ابلاغ قرار ابطال دادخواست آنرا تجدید نمایند و از آنجائیکه حسب روش قضائی دادگاههای ایران فلسفه وضع ماده مزبور مبتنی بر تسریع در رسیدگی به دعاوی اعتراض بر ثبت و تعیین تکلیف فوری آنها بوده و بهمین مناسبت بوده ضرب الاجل معینه برای تجدید دادخواست از تاریخ ابلاغ قرار ابطال دادخواست مقرر شده «نه از تاریخ قطعیت قرار مزبور» و نیز چون رویه قضائی ایران بر این منوال است که حکم ماده ۱۹ فوق الذکر منحصر بمورد پیش بینی شده در ماده مذکور نبوده و ظهور در تعمیم دارد چه

در غیر این صورت نقض غرض مقنن از حیث تسریع در رسیدگی باین قبیل دعاوی خواهد بود. و از آنجائیکه مستفاد از ماده فوق الذکر و تبصره ذیل آن - شمول حکم آن ماده بعموم قرارهای ابطال دادخواستی است که در پرونده‌های مربوط با اعتراض بر ثبت توجهاً بمورد صادر میشود. و بالتفاوت به اینک شرح پرونده ۱۰۲-۴۲ مدنی استنادی و خواننده و وکیل او - و خواهانهای همین پرونده عین همین دادخواست را با نقصان میزان بطرفیت و خواننده باین دادگاه تقدیم نموده بوده اند که با صدور اخطار رفع نقص از طرف دفتر و ابلاغ آن بخواهانها در موعد مقرر قانونی از پرونده امر رفع نفس ننموده اند و پرونده مذکور در تاریخ ۱۲/۱۰/۴۲ منتهی بصدر قرار رد دادخواست از طرف دفتر شده که قرار صادره در تاریخ ۱۲/۲/۴۳ بخواهانها واقعاً و قانوناً ابلاغ و نامبردگان بشرح لایحه مورخ ۲۰/۲/۴۳ که بشماره ۳۰۳۴-۲۸/۳/۴۳ اندیکاتور ثبت شده بقرار مذکور اعتراض کرده اند و در مقام رسیدگی بشکایت و خواهانها از قرار رد دادخواست صادره در پرونده ۱۰۲-۴۲ مدنی فوق الذکر - قرار مذکور بموجب رأی قطعی مورخ ۳۰/۳/۴۳ تأیید گردیده است. صرف نظر از اینک پرونده مدنی ۱۰۲-۴۲ اشعاری از ابلاغ رأی قطعی مورخ ۳۰/۳/۴۳ دادگاه در زمینه تأیید قرار رد دادخواست مورخ ۱۲/۱۰/۴۲ بخواهانها ندارد. ولی همانطوریکه فوقاً مرقوم رفت چون با وجود حکم ماده ۸۵ و بند ۲ ماده ۴۷۸ قانون آئین دادرسی مدنی در زمینه قابل شکایت و پژوهش بودن قرارهای ابطال دادخواست مقنن بر مبنای همان فلسفه تسریع در رسیدگی بدعاوی ثبتی فقط از تاریخ ابلاغ قرار ابطال دادخواست بمعترضین «نه از تاریخ قطعیت قرار مزبور» تجدید دادخواست ظرف ده روز از طرف و خواهانها را تجویز نموده است و معترضین پرونده حاضر هم پس از ابلاغ قرار رد دادخواست مورخ ۱۲/۱۰/۴۲ در تاریخ ۱۲/۲/۴۳ بآنها میبایستی طبق دستور ماده ۱۹ قانون ثبت ظرف ده روز از تاریخ اخیر الذکر اقدام بتجدید عرض حال مینمودند و چون بحکایت محتویات پرونده حاضر تاریخ تقدیم این دادخواست بدفتر دادگاه ۲۸/۴/۴۳ و خارج از موعد مقرر قانونی است علیهذا باستناد ماده ۹۰ قانون ثبت و تبصره ذیل آن قرار ابطال دادخواست و خواهانها بشرح پرونده مدنی ۱۲۰-۴۳ پیوست نسبت بیازده سهم وسی و یک سهم صدسهم از یکصد سهم دودانگ مشاع از شش دانگ قریه گلی در ق علیا و سفلی صادر و اعلام میگردد و نیز نسبت بهشت سهم افزوده شده در دادخواست حاضر چون اعتراض نسبت بهشت سهم افزوده شده در خارج از موعد مقرر در ماده ۱۶ قانون ثبت بوده علیهذا با استناد ماده ۱۶ قانون مذکور نسبت بمقدار هشت سهم مذکور قرار سقوط دعوی و خواهانها صادر و اعلام میگردد. قرارهای صادره مستنداً به بندهای ۵۰۲ ماده ۴۷۸ قانون آئین دادرسی مدنی پس از ابلاغ در مهلت قانونی قابل پژوهش در .. است.....

۷ - ۵۸ - در صورتیکه خواننده در جریان تبادل لوایح تقاضای رؤیت اصل سند

استنادی خواهان را طبق مقررات بنماید و خواهان در روز معین بترتیب قانونی سند را حاضر نمایند سند مزبور از اعداد دلایل او- خارج میشود و پس از تکمیل مبادله لوایح اگر دادگاه نتواند رأی بدهد دادخواست را ابطال میکند (ماده ۳۱۱ آئین دادرسی مدنی).

۸-۶۰- در صورت عدم حضور مدعی خصوصی در موعد مقرر برای اولین جلسه دادرسی در دادگاههای خلاف و جنبه بشرط اینکه گذشت مدعی خصوصی مؤثر در جنبه عمومی امر نباشد که دادخواست ضرر روزیان تقدیمی او ابطال میگردد. (مواد ۱۲-۲۷۴-۳۲۱) قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی بموجب قانون مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ و منتشره در شماره ۳۹۵۱-۱۷/۶/۳۷ روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.

اکنون که بذکر مصادیق و نمونه‌هایی از قرارهای رد دادخواست و ابطال دادخواست اشاره رفت- بذکر فهرست موارد آنها بهمین اندازه اکتفا میکنیم و بشرح آتی نسبت بتشریح وجوه اشتراك و افتراق قرارهای فوق‌الذکر میپردازیم. (بقیه در شماره آینده)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی